سی‌ویکمین همایش بانکداری اسلامی: بانکداری اسلامی با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب
۹ و ۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۰، صص. ۱۰۷-۱۳۰

نقد و ارزیابی حکمرانی بانکی از دیدگاه بستر اجرایی با تأکید بر شناسایی چالش‌های اجرا

محمود شایان[۱]

چکیده

حسب فرمایش مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص موضوع اقتصاد و نقش بی‌بدیلی که بانک‌ها در رشد و توسعه اقتصادی و مالی کشورها ایفا می‌کنند و از سوی دیگر، از آنجا که بنیان یک اقتصاد پیشرفته و متمرکز بر سرمایه، یک صنعت بانکی سالم قلمداد می‌شود، لذا صنعت بانکداری نیازمند قوانین، مقررات، ساختار و فرایندهای متناسب با این صنعت است که جهت دستیابی به این اهداف، سازمان‌های متولی نسبت به تدوین رهنمودی با عنوان حکمرانی بانکی (حاکمیت شرکتی در بانک‌ها) اقدام کرده‌اند. حکمرانی مطلوب در شبکه بانکی می‌تواند مسیر اجرای حاکمیت شرکتی را در سایر بخش‌های اقتصاد هموار سازد و تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی کشور داشته باشد. بر این اساس، با عنایت به اهمیت موضوع، در این مقاله سعی شده به عوامل مؤثر در عدم استقرار بهینه این اصول در بانک‌های کشور پرداخته شود. روش تحقیق به‌کارگرفته‌شده از نوع کیفی است. بدین ترتیب که با مرور متون و ادبیات و همچنین انجام‌دادن مصاحبه، عوامل از طریق تحلیل تِم شناسایی شدند. حوزه پژوهش در قسمت کتابخانه‌ای، مقالات و نتایج تحقیقات مرتبط با موضوع بود و جامعه آماری در بخش مصاحبه متشکل از کارشناسان و خبرگان نظام بانکی بودند که نمونه از بین آن‌ها با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. در مجموع، ۲۲ عامل شناسایی شد که با توجه به تحلیل‌های صورت پذیرفته در قالب پنج بعد عوامل انسانی، عوامل قانونی، عوامل نظارتی، عوامل ساختاری و عوامل محیطی- اجتماعی دسته‌بندی شدند.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی، نظام بانکی، چالش، عوامل مؤثر بر عدم اجرا، مدل

JEL: EZ15, GZ15, KZ15

---

[۱] مدیرعامل بانک مسکن، (نویسنده مسئول)؛ ma1345s@yahoo.com

مقدمه

یکی از سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی مقام معظم رهبری در بیانیه «گام دوم انقلاب»، به موضوع اقتصاد اشاره دارد و همان‌گونه که در این بیانیه نیز اشاره شده، اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. به‌طوری که اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است. در این میان، نقش نظام بانکی کشور (متشکل از بانک مرکزی و بانک‌های تجاری و تخصصی) به‌عنوان یکی از مهمترین اجزای تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی کشور، بسیار کلیدی و بی‌بدیل است. بر این اساس، نظام بانکی کشور باید ضمن اتخاذ سیاست‌های صحیح و اصولی در تعامل مستقیم با بانک مرکزی و سایر بانک‌های کشور، از یک‌سو مزیت‌های رقابتی و سودآوری خود را حفظ کرده و از سوی دیگر، باعث تسهیل جریان‌های اقتصادی و تأمین نقدینگی در بخش‌های اقتصادی مرتبط با گروه‌های ذی‌نفع و زنجیره ارزش خود شود. تحقق این اهداف دوگانه (حفظ سودآوری، تسهیلگری و شتاب‌بخشی اقتصادی) به‌صورت توأم مستلزم ایجاد مکانیزم‌ها و مقررات مناسب اجرایی و تجهیز بانک‌ها به ابزارهای کارآمد و علمی است. [۱] آنچه نظام بانکی را در رسیدن به این مهم یاری خواهد کرد، توجه به مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که از آن به حکمرانی (حاکمیت شرکتی) یاد می‌شود. [۲] نکته حائز اهمیت آن است که به‌دلیل وجود ارتباط سیستم بانکی و سیستم کلان اقتصادی، برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌ها دارای اهمیت است و البته باید اذعان کرد که برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌ها متفاوت از برقراری آن در سایر نهادهای مالی است. چرا که پیچیدگی فعالیت بانک‌ها، عدم تقارن اطلاعات را افزایش می‌دهد و قدرت سهامداران را برای مدیریت بانک کاهش می‌دهد. بانک‌ها نقش اصلی تأمین منابع مالی را در کشورهای در حال توسعه برعهده دارند. همچنین، آن‌ها بنگاه‌هایی هستند که به‌دلیل سپرده‌های دریافتی از مشتریان نسبت بدهی به دارایی بالایی دارند. بر این اساس، بانک‌ها بیشتر تحت تأثیر مقررات هستند به‌طوری که باید پاسخگویی بیشتری نسبت به حقوق سپرده‌گذاران داشته باشند، ریسک خود را کاهش دهند و ثبات سیستم پرداخت را تضمین کنند.[۳]

در هر حال، تحقق اهداف مذکور در گرو برخورداری از نظام بانکی کارآمد، باثبات، منضبط و پویاست که لازمه آن تمهید شرایط قانونی، نهادی و نظارتی در حوزه بانکداری با هدف غایی ایجاد محیط کسب و کار مساعد بانکی است.[۴] بر این اساس، در نوشتار حاضر تلاش شده تا ضمن تبیین مفهوم حکمرانی بانکی و دلایل خاص‌بودن بانک‌ها نسبت به سایر مؤسسات در استقرار این مهم، به واکاوی چالش‌های عملیاتی‌کردن آن پرداخته شود. بدین ترتیب که ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر

عدم اجرای بهینه اصول حکمرانی، مدل مربوط به‌منظور آگاهی کلیه ذی‌نفعان در راستای حل این معضلات، ارائه شود. به‌نظر می‌رسد نتایج این تحقیق، سیاست‌گذاران، مدیران و کلیه ذی‌نفعان صنعت بانکداری را در جهت تحقق کلیه شاخص‌های حکمرانی یاری کرده و بدین‌ترتیب زمینه بهبود و کارایی صنعت بانکداری و به‌تبع آن تحقق اهداف نظام اقتصادی را فراهم سازد که به رشد و توسعه کشور حسب رهنمودهای مقام معظم رهبری منجر خواهد شد.

مرور ادبیات و مطالعات تجربی

تعریف حکمرانی با توجه به اختلاف برداشت‌های موجود، کاری بسیار ظریف و پیچیده است. این واژه در دهه‌های گذشته به مفهومی فراگیر و مورد استفاده در طیف وسیعی از موضوعات مانند شبکه‌های سیاستی، مدیریت عمومی، هماهنگی بخش‌های اقتصادی، مشارکت خصوصی–عمومی، حکمرانی شرکتی و حکمرانی خوب به‌عنوان اهداف اصلاحی ارائه شده توسط بانک جهانی تبدیل شده است.[۵] گرچه واژه حکمرانی جدید بوده و سابقه آن به سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی برمی‌گردد، اما مفهوم حکمرانی، جدید نیست و قدمتی به‌اندازه تمدن بشری دارد. این اصطلاح از واژه یونانی kybernan و kybernetes گرفته شده و معنی آن هدایت‌کردن و راهنمایی‌کردن یا چیزها را در کنار هم نگه‌داشتن است.[۶] تعاریف مرتبط با حکمرانی عمدتاً معرف علایق و نگرش کسانی است که ارزش‌های فکری آنان به معانی حکمرانی جهت داده است. برای مثال، پارکینسون، حکمرانی را فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران می‌داند.[۳۳] اما در یک تعریف کلی، حکمرانی، مجموعه‌ای از فرایندها، عرف‌ها، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین و مقرراتی است که با استفاده از سازوکارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، نحوه هدایت، مدیریت و کنترل شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.[۳۷] پدیده حکمرانی، پیش از هر چیز متوجه تمرکززدایی از قدرت (در معنای سنتی) است. از این‌رو، حکمرانی بی‌شک دارای تأثیر عمده‌ای بر بخش عمومی –که واجد نقش محوری در سیاست‌گذاری عمومی است– خواهد بود.[۵]

Pettai و Illing [۷] نیز معتقدند که حکمرانی، رابطه‌ای است میان دو گروه از انسان‌ها: در سطح کلان سیاسی رابطه میان حاکمان و شهروندان، در سطح اقتصادی رابطه میان کارگزاران و سرمایه‌داران و در سطح سازمانی رابطه بین مدیران و کارمندان. حکمرانی به‌گسترش دامنه هدایت و رهبری جامعه اشاره دارد و در پرتو حکمرانی، مرزبندی بخش‌های سه‌گانه جامعه یعنی بخش عمومی، خصوصی و جامعه مدنی کمرنگ جلوه می‌کند. به‌عبارتی، حکمرانی مفهوم بسیار گسترده‌ای را در بر

می‌گیرد که ناظر بر تعامل مؤثر میان سه رکن دولت، بازار و نهادهای مدنی است.[۸] حکمرانی اغلب با نگاهی جدید، به‌محدودکردن قدرت سنتی سلسله مراتبی (بالا–پایین) و تغییر مسیر آن به‌سوی تصمیم‌های جمعی می‌پردازد. پژوهشگران این حوزه معتقدند که ناکارآمدی دولت‌ها در انجام دادن یکه‌تازانه امور، موجب خلق این مفهوم شده است؛ بنابراین، با تفکیک حوزه‌های مختلف دولت و تمایز میان بخش خصوصی و دولتی و تمایز میان دولت و جامعه مدنی، سعی در تغییر ساختار سنتی قدرت و وزن‌دهی بیشتر به نهادهای موازی دولت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دارند.[۵]

در حقیقت، همان‌طور که Solomon [۹] استدلال می‌کند، حاکمیت شرکتی از دو دیدگاه خرد و کلان قابل‌بحث است. از منظر خرد، حاکمیت شرکتی محدود به رابطه بین یک شرکت و سهامداران آن است. از منظر کلان، حاکمیت شرکتی ممکن است به‌عنوان یک شبکه روابط در نظر گرفته شود، نه تنها بین شرکت و صاحبان آن (سهامداران)، بلکه همچنین بین یک شرکت و طیف وسیعی از افراد دیگر تحت عنوان ذی‌نفعان (شامل کارمندان، مشتریان، تأمین‌کنندگان و غیره). بر این اساس، شرکت‌ها در برابر کل جامعه، نسل‌های آینده و حتی دنیای مادی حاضر پاسخگو هستند. Sison [۱۰] همچنین، دیدگاه گسترده‌ای درباره حاکمیت شرکتی اتخاذ کرده است: «حاکمیت شرکتی، سیستم کنترل و توازن، چه داخلی و چه خارجی شرکت‌هاست و این اطمینان را می‌دهد که شرکت‌ها خود را در برابر همه ذی‌نفعان خود پاسخگو می‌دانند و از نظر تمام زمینه‌های فعالیت تجاری براساس مسئولیت اجتماعی عمل می‌کنند».

مفهوم حکمرانی در بسترها و سطوح مختلف به‌کار می‌رود: نظیر حکمرانی شرکتی، حکمرانی جهانی، حکمرانی خوب، حکمرانی ملی و حکمرانی محلی. حکمرانی در هر یک از این سطوح با توجه به مختصاتی که در تعریف آن بیان شد، راهکارهایی را برای افزایش نقش ذی‌نفعان در تصمیمات و افزایش کارایی و کارآمدی فرایند تصمیم‌گیری و اجرا، پیگیری و ارائه می‌کند.[۵] آنچه در حکمرانی در سطح کلان مورد توجه قرار می‌گیرد، آن است که دولت باید ثبات و پایداری را در جامعه ایجاد، چهارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت بخش عمومی و خصوصی را مستقر، ثبات و امنیت و عدالت را در بازار فراهم و با کاهش نقش تصدی‌گری و روی آوردن به نقش حمایتی در چنین موقعیتی، اداره دولت را از روش مدیریت عمومی به روش حمکرانی عمومی تغییر دهد.[۴۳]

از سوی دیگر، Roland [۱۱] مطرح می‌کند که فرهنگ، فعالیت‌هایی را که با ارزش‌های آن سازگاری دارند، وادار به اجرا می‌کند و به این ترتیب بر سیاست‌های سازمانی و ارزش‌های افراد تصمیم‌گیرنده اثر می‌گذارد. ارزش‌های فرهنگی، قراردادی از سلایق عمومی برای ارتباطات بین افراد

و نهادها ایجاد می‌کند و در نتیجه ممکن است بر انتخاب ساختارهای خاص حاکمیت شرکتی اثر داشته باشد. به عقیده Arewa [۱۲]، درک رویدادهای حاکمیت شرکتی مستلزم توجه به رفتارهای واقعی است که زمینه‌ساز وقوع چنین رویدادهایی است. در یک نگاه کلی، رویدادهای حاکمیت شرکتی تحت دو ویژگی متمایز است. مورد اول گسترده‌تر است و مربوط به فضای عمومی تجارت است و مورد دوم خاص‌تر است و مربوط به زمینه فرهنگی خاص شرکت است که در آن چنین رویدادهایی رخ می‌دهد. فرهنگ شرکت در شکل‌دهی به‌نحوه مواجهه با مسائل و مشکلات مؤثر است، به‌گونه‌ای که شرکت‌های مختلف با فرهنگ‌های متفاوت، واکنش متفاوتی نسبت به مواجهه با آن مسائل خواهند داشت که یکی از این مسائل سیستم حاکمیت شرکتی است. Matoussi و Jardak [۱۳] نیز معتقدند که قومیت، عادات و اعتقادات، ارزش‌های مشترک و مذاهب از عناصر ابتدایی هستند که بر سیستم اثربخش حاکمیت شرکتی مؤثر بوده و تمایلات سهامداران، مفروضات کنترلی و اهداف همکاری، تحت تأثیر فرهنگ رایج هر کشور متفاوت است.

با عنایت به دیدگاه‌های اندیشمندان و تعاریف ارائه شده:

الف- از یک‌سو باید گفت حکمرانی، موضوعی است مربوط به‌نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط این‌ها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیم‌ها در جهانی پیچیده. حکمرانی، فرایندی است که از آن طریق، جوامع یا سازمان‌ها، تصمیم‌های مهم خود را اتخاذ کرده و مشخص می‌سازند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند.

ب- از سوی دیگر نباید فراموش کرد که سیستم حکمرانی، چهارچوبی است متکی بر فرایند. بدین معنی که مجموعه‌ای است از توافقات، روش‌ها، قراردادها و سیاست‌ها که مشخص می‌کنند، قدرت در دست چه کسی باشد و تصمیمات چگونه گرفته شوند.[۵]

بر این اساس، اهمیت موضوع سبب شد که در کشورهای مختلف در دو برهه، تغییرات وسیعی در ساختار راهبری و حکمرانی شرکت‌ها و بانک‌ها اتفاق بیفتد. نخست، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ که با آزادسازی و خصوصی‌سازی نظام‌های بانکی، مدل کسب و کار بانکی و نقش مقام ناظر، دستخوش تحولات اساسی شد. دوم، پیامد مستقیم بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ که بسیاری از کشورها را به بازبینی و اعمال برخی اصلاحات در نظام بانکی و به‌ویژه حکمرانی شرکتی وادار کرد.[۱۴] به هر حال، نهادها و سازمان‌هایی نظیر شبکه جهانی حاکمیت شرکتی، اتاق بازرگانی بین‌الملل، بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، فدراسیون بین‌المللی حسابداران و برخی مؤسسات رتبه‌بندی همچون استاندارد و پورز در ترویج و وضع استانداردهایی در رابطه با حاکمیت شرکتی

فعالیت داشته‌اند. البته موضوع در کشورهای در حال توسعه تا حدی متفاوت است و دستورالعمل حاکمیت شرکتی در این کشورها غالباً به‌پرکردن خلأهای قانونی پرداخته است که در کشورهای پیشرفته از طریق قوانین و مقررات به‌روز و کارآمد تأمین می‌شود: مانند برخورد یکسان با سهامداران، افشای مناسب و به‌موقع اطلاعات مالی و ترازنامه‌ای و نحوه برگزاری مجامع عمومی.[۳۷]

با گسترش ادبیات حاکمیت شهری در سطح جهان، بانک‌ها و نظام‌های بانکی نیز که از پیچیده‌ترین بنگاه‌های اقتصادی هستند، نسبت به تدوین چهارچوب‌های حاکمیت شرکتی جهت اداره و مدیریت و کنترل ریسک‌های خود اقدام کرده‌اند. بدین ترتیب که کمیته نظارت بانکی بال نیز نخستین رهنمود خود را در خصوص اصول بهبود حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری در سال ۱۹۹۹ منتشر و در سال ۲۰۰۶، رهنمود خود را مطابق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بـازنگری کرد. همچنین، در اکتبر سال ۲۰۱۰، اصول راهنمای حاکمیت شرکتی بانک‌ها مجدداً بررسی شد که سند منتشره نیز توسط بانک مرکزی ج.ا.ا. ترجمه و به بانک‌ها ابلاغ شد.[۱۵]

در این راستا، برخی از محققان و صاحب‌نظران بانکی معتقدند که با وجود تدوین این قوانین، بانک‌ها در اجرای بهینه آن موفق نبوده و چالش‌هایی را در این زمینه شناسایی و معرفی کرده‌اند. برای مثال، MWENDA [۱۶] در تحقیق خود با عنوان چالش‌های پیاده‌سازی حکمرانی بانکی در بانک تجاری کنیا، به این مهم دست یافت که ساختار سازمانی نامناسب، فناوری، سیستم پاداش، منابع ناکافی و ظرفیت کارکنان، فرهنگ سازمانی ناسازگار و انتظارات زیاد سهامداران و مشتری به‌عنوان چالش‌های مهم در اجرای اصول حکمرانی بانکی بوده‌اند.

نتایج تحقیق Lucky [۱۷] نیز نشان داد که فرهنگ سازمانی بانک‌ها، وام‌های دریافتی توسط مدیران، بازده کاذب و اشتهای سهامداران برای دریافت بیشتر سود سهام، از مهمترین چالش‌هایی است که بانک‌ها را در اجرای اصول حکمرانی بانکی با مشکل مواجه می‌سازند. Horber [۱۸] نیز معتقد است که کاربرد جهانی اصول در مقابل انطباق با حوزه قضایی محلی و تضاد قوانین در یک محیط فرامرزی از مهمترین علل مشکلات در پیاده‌سازی این اصول است.

اهمیت حکمرانی براساس نتایج تحقیقات

مطالعات بسیاری درخصوص موضوع حکمرانی بانکی و تأثیر آن بر مؤلفه‌های مختلف عملکردی صورت پذیرفته که در این بخش به بیان نتایج برخی از این تحقیقات اشاره شده است.

- Ahmadyan [۱۹]، به بررسی سه مؤلفه حاکمیت شرکتی شامل اثربخشی مدیران، شفافیت و افشای اطلاعات و تأثیر آن بر ارزش‌افزوده اقتصادی بانک پرداخت. نتایج نشان داد، تأثیر شاخص‌های حاکمیت شرکتی در تغییرات ارزش‌افزوده اقتصادی بانکی ایران قابل‌توجه است.
- Akbarian [۲۰]، در بررسی تأثیرات حاکمیت شرکتی بر ریسک اعتباری به این نتیجه رسید که پس از تنظیم متغیرهای کنترلی (نظیر اندازه، اهرم مالی، نسبت کفایت سرمایه، تولید ناخالص داخلی و تورم) رابطه منفی معناداری بین کیفیت حاکمیت شرکتی و ریسک اعتباری وجود دارد.
- رجبی و عزب [۲۱]، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که متغیرهای حکمرانی خوب و سلامت سازمانی بر رفتار سیاسی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- نتایج مطالعه رستم‌زاده و خلیلی [۲۲] نشان می‌دهد، رابطه مثبت بین شاخص‌های حکمرانی خوب و توسعه نظام بانکی وجود دارد.
- تقوی و همکاران [۳] که نتایج حاصل از بررسی آنان بیان‌کننده آن است که مالکیت دولتی بانک‌ها اثر بزرگتری بر افزایش مطالبات معوق نسبت به مالکیت خصوصی و خارجی دارد. اما، مالکیت خارجی نسبت به سایر انواع مالکیت‌ها از نظر نسبت‌های سودآوری بانک بهتر عمل می‌کند. همچنین، اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به بهبود عملکرد بانک کمک می‌کند، اما برقراری و اجرای حاکمیت شرکتی خوب بدون برقراری مکانیسم کنترل داخلی مناسب نظیر داشتن بخش نظارتی مقتدر و اعمال کنترل توسط هیئت‌مدیره مستقل و سهامداران امکان‌پذیر نیست.
- جاجرمی‌زاده [۲۳]، به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر اثربخشی نظام بانکی پرداخت و ۵ مؤلفه از مؤلفه‌های حکمرانی خوب را (حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) مورد بررسی قرار داد و نتایج نشان داد که مؤلفه‌های حاکمیت قانون و کنترل فساد در بانک ملی شیراز از وضعیت مناسبی برخوردار است و سه مؤلفه دیگر از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند.
- کمیجانی و سلاطین[۲۴]، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که ارتباط مثبت و معنی‌داری میان شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی در دو گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD وجود دارد. همچنین، میزان تأثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای عضو OPEC بیشتر از گروه کشورهای عضو OECD است. شاخص ثبات سیاسی در گروه کشورهای عضو OPEC و شاخص کنترل فساد در گروه کشورهای عضو OECD دارای بیشترین تأثیر بر میزان رشد اقتصادی است.

- نتایج مطالعه برادران شرکا و ملک‌الساداتی [۸]، حاکی از آن است که نه تنها حکمرانی خوب براساس میانگین موزون شش شاخص حکمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، بلکه علاوه بر آن هر یک از سه گروه مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند.
- Srairi [۲۵]، در تحقیق خود به بررسی تأثیر سطح افشا (به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حاکمیت شرکتی) بر عملکرد ۲۷ بانک اسلامی در پنج کشور عربی پرداخت. لذا، اقدام به تعریف شاخص افشا حاکمیت شرکتی (CGDI) کرد و با استفاده از روش تجزیه و تحلیل محتوا بر روی گزارش‌های سالانه بانک‌ها به‌مدت ۳ سال (۲۰۱۳-۲۰۱۱) این مهم را مورد بررسی قرار داد. نتایج بیان‌کننده آن است که بانک‌های اسلامی با سطوح بالاتر افشا حاکمیت شرکتی عملکرد بالاتری از بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام ارائه می‌دهند.
- Peni&etall [۲۶]، به این نتیجه رسیدند؛ بانک‌هایی که دارای مکانیسم حاکمیت شرکتی قوی‌تری نسبت به سایر بانک‌ها هستند، شاخص‌های سودآوری بالاتر و میزان مطالبات مشکوک‌الوصول کمتری را تجربه می‌کنند.
- در تحقیق Al Manaseer [۲۷]، شاخص‌های اندازه هیئت‌مدیره، ترکیب هیئت‌مدیره و مالکیت خارجی به‌عنوان شاخص‌های حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از بررسی حاکی از آن است که رابطه مثبت بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی یعنی تعداد اعضای هیئت‌مدیره و مالکیت خارجی و عملکرد سیستم بانکی اردن وجود دارد. اندازه هیئت‌مدیره و جدایی مالکیت از مدیریت رابطه منفی با عملکرد سیستم بانکی این کشور دارد.
- Lee [۲۸]، نیز در تحقیق خود نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین حاکمیت شرکتی و ثبات مالی وجود دارد.

وضعیت حکمرانی در کشور ایران

در سه دهه گذشته، موضوع حکمرانی به‌صورت پدیده‌ای جهان‌شمول درآمده است و از یک کشور به کشور دیگر در حال گسترش است. ایران نیز کم و بیش از روند تغییر و تحولات جهانی بی‌نصیب نمانده و سعی کرده که این اصول را در سطوح مختلف ساری و جاری سازد، به‌گونه‌ای که اقداماتی در جهت اجرایی‌کردن ابعاد مختلف آن به‌صورت غیرمنسجم در بازار پول و سرمایه کشور صورت پذیرفته است.[۳۷] نتایج برخی از مطالعات درخصوص وضعیت حکمرانی در ایران به‌شرح زیر است.

- در مطالعاتی که توسط دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی [۴۱] انجام شده است، نتایج بیان‌کننده آن است که از نگاه پاسخ‌دهندگان در کل، دید خوبی نسبت به‌وضعیت حکمرانی در ایران وجود ندارد. میانگین شش شاخص حکمرانی بین ۲۵ تا ۴۲ است که پایین‌تر از ۵۰ بوده و نشان‌دهنده نامناسب‌بودن فضای حکمرانی در کشور است.
- در تحقیق آهنی و همکاران [۴۲]، به جایگاه ایران در جهان از نظر مؤلفه‌های حمکرانی (کنترل فساد، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، حق اظهارنظر و پاسخگویی) در افق زمانی ۲۰۲۱ پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در افق زمانی ۲۰۲۱، شاخص پاسخگویی در کشور مسئله‌دار خواهد بود و شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد تقریباً بدون تغییر باقی می‌ماند و از طرفی، روند بقیه شاخص‌ها بهبود مختصری را نشان می‌دهد.
- نتایج تحقیق ذاکری [۴۳] نیز نشان می‌دهد، امتیاز ایران اختلاف زیادی با میانگین کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) دارد. در مقایسه با میانگین کشورهای منطقه نیز امتیاز ایران در شاخص اثربخشی دولت و ثبات سیاسی، بالاتر از میانگین منطقه است؛ اما در چهار مؤلفه دیگر (پاسخگویی و حق اعتراض، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد)، پایین‌تر از میانگین منطقه قرار می‌گیرد.

ویژگی بانک‌ها و تأثیرات آن بر حکمرانی

اگر چه مدت‌هاست که نیاز به بهبود و توسعه مکانیسم‌های جدید کنترل برای به‌حداقل‌رساندن خطرهای مرتبط با تعارضات احتمالی منافع بین سهامداران شرکت‌ها مطرح شده، اما رسوایی‌های مالی گسترده و به‌ویژه بحران مالی در بخش بانکی، موضوع حکمرانی بانکی را به‌وجود آورده است. نمونه بارز آن، وجود تضاد منافع درون بانک بین سپرده‌گذاران و سهامداران است. بدین‌ترتیب که سهامداران می‌خواهند وارد پروژه‌های پرریسک شوند و ارزش سهام خود را در مقابل افزایش هزینه سپرده‌گذاران افزایش دهند.[۳] لذا، پذیرش ریسک برای ایجاد درآمد و ارائه خدمات به مشتریان، به عدم تقارن اطلاعات، شفافیت کمتر و حتی توانایی بیشتر برای پنهان‌کردن مشکلات موجود منجر می‌شود.[۲۹] نقش تضاد منافع با در نظرگرفتن کلیه بازیکنان نظام بانکی و ترجیحاتی که هر یک از آن‌ها به اقتضای نقش و جایگاهی که دارند (به‌شرح جدول شماره ۱)، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

جدول شماره ۱: بازیکنان نظام بانکی، اهداف و گزینه‌ها در پیشروی آن‌ها[۳۰]

ردیف	بازیکنان	سطح بازی	ترجیحات اصلی بازیکنان	گزینه‌های اقدام
۱	دولت	سطح کلان حکمرانی	حداکثر رشد اقتصادی	– استقراض از بانک مرکزی – توازن بودجه
۲	بانک مرکزی	سطح کلان حکمرانی	ثبات مالی (کنترل تورم)	– تثبیت نرخ ارز – انقباض پولی – کاهش نرخ سود بانکی
۳	بانک‌های دولتی	سطح میانی حکمرانی	حداکثرکردن سود (حداکثر جذب سپرده با حداقل هزینه)	– پرداخت سود سپرده بالاتر از نرخ علی‌الحساب مصوب و پایین‌تر از نرخ تنزیل مجدد – پرداخت سود سپرده براساس نرخ علی‌الحساب مصوب
۴	بانک‌های دولتی	سطح عملیاتی حکمرانی	تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مولد بنگاه‌های تولیدی	– اعطای تسهیلات با نرخ مصوب – اعطای تسهیلات با نرخی بالاتر از نرخ مصوب سرمایه‌گذاری غیرمولد
۵	بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی	سطح میانی حکمرانی	حداکثرکردن سود	– پرداخت سود سپرده بر اساس بازی پونزی – پرداخت سود سپرده براساس نرخ علی‌الحساب مصوب – پرداخت سود سپرده بالاتر از نرخ علی‌الحساب مصوب و پایین‌تر از متوسط بازده سرمایه‌گذاری بانک
۶	بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی	سطح عملیاتی حکمرانی	حداکثرکردن سود	– اعطای تسهیلات با نرخ مصوب – اعطای تسهیلات با نرخی بالاتر از نرخ مصوب سرمایه‌گذاری غیرمولد
۷	بنگاه‌های تولیدی	سطح عملیاتی حکمرانی	حداکثرکردن سود	– سپرده‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی – استمهال بدهی‌های معوق نزد بانک‌ها – سرمایه‌گذاری مولد تسهیلات دریافتی از بانک‌ها – سرمایه‌گذاری غیرمولد تسهیلات دریافتی از بانک‌ها
۸	سپرده‌گذاران (صاحبان منابع پس‌انداز)	سطح عملیاتی حکمرانی	کسب حداکثر سود بدون ریسک	– سپرده‌گذاری منابع پس‌انداز در بانک‌های دولتی – سپرده‌گذاری منابع پس‌انداز در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی

بر این اساس، با توجه به اهمیت بانک‌ها در اقتصاد و ماهیت فعالیت آن‌ها و نیز هزینه‌های قابل توجهی که ورشکستگی بانک می‌تواند ایجاد کند، تجزیه و تحلیل مکانیسم‌های حکمرانی در بخش بانکی را به‌طور همزمان بسیار خاص و مهم می‌کند. علاوه بر تفاوت دیدگاه و ماهیت بازیکنان که در جدول شماره (۱) اشاره شد، دلایل دیگری برای منحصربه‌فردکردن خصوصیات بانک‌ها از سایر مؤسسات در اجرای حکمرانی وجود دارد. برای مثال، Fernandes [۳۱] چهار دلیل عمده را به‌شرح زیر برمی‌شمارد:

اول این که، بانک‌ها به‌طور کلی نسبت به شرکت‌های غیرمالی شفاف نبوده و فعالیت آن‌ها پیچیده‌تر است. کیفیت وام‌های بانکی و همچنین کیفیت دارایی‌های دیگر بانک‌ها به‌راحتی قابل‌مشاهده نیستند. لذا، ارزیابی دقیق ریسک‌های آن‌ها را دشوار می‌سازد. دوم این که، بانک‌ها، مؤسسات بسیار اهرمی هستند که در صورت بالابودن این اهرم، احتمال ورشکستگی بانک‌ها را افزایش می‌دهد. سوم، بانک‌ها به‌شدت کنترل و نظارت می‌شوند که این مهم به‌دلیل نقش آن‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی در هر دو سیستم اعتباری و مالی و ثبات کل سیستم مالی است. بر این اساس، ناظر ممکن است برای رسیدن به اهداف خود، محدودیت‌هایی را در تجارت بانکی اعمال کند یا حتی استانداردهایی اجباری برای کیفیت و ویژگی‌های حاکمیت بانکی (برای مثال، محدودیت در ترکیب هیئت‌مدیره یا محدودیت در تمرکز مالکیت سهام) و... اعمال کند. چهارم، ماهیت خاص بانکداری آن را مستعد ابتلا به مشکلات بیشتر خطر اخلاقی می‌کند.

عزیزی [۳۲] نیز به سه دلیل بر اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و تفاوت آن با سایر بخش‌ها اشاره کرده که عبارتند از:

- برخلاف نهادهای تجاری معمولی که سرمایه‌شان از طریق وجوه سهامداران تأمین می‌شود، فعالیت بانک‌ها شامل وجوهی است که عمدتاً از سپرده‌ها تشکیل شده و این امر باعث می‌شود مسئولیت امانتداری بیشتری متوجه بانک‌ها و مدیرانشان باشد.
- نبود حاکمیت شرکتی در بانک‌ها می‌تواند نظام مالی را بی‌ثبات کرده و ریسک‌هایی نظام‌یافته بر اقتصاد تحمیل کند. چراکه این بانک‌ها هستند که تعیین می‌کنند کدام یک از کاربران نهایی، منابع مالی را دریافت کنند و ابزارهای پرداخت مربوط را در این زمینه فراهم می‌کنند.
- بانک‌ها باید از دید سپرده‌گذاران مسئول و معتبر باشند تا بتوانند ریسک احتمالی هجوم سپرده‌گذاران به بانک را برای برداشت سپرده‌هایشان مدیریت کنند.

بر این اساس، هدف از اعمال حاکمیت شرکتی، اطمینان‌یافتن از وجود چهارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذی‌نفعان مختلف را فراهم آورد.[۳۳] چرا که این اصول از هیئت‌مدیره می‌خواهد که تمرکز بیشتری بر ارزیابی، مدیریت و کاهش ریسک داشته باشد و همچنین مکملی برای نظارت مالی و بخشی جدایی‌ناپذیر از نظارت مؤثر بر ریسک است.[۲۹] اما نکته حائز اهمیت آن است که به‌نظر می‌رسد استقرار بهینه حکمرانی بانک‌ها در کشورها متأثر از بافت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... باشد. برای مثال، با توجه به ماهیت متفاوت بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی (به‌شرح جدول شماره ۲) که به تفاوت‌هایی در دیدگاه آن‌ها منجر می‌شود، چگونگی استقرار و کارکرد حمکرانی تحت تأثیر این ویژگی‌ها قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۲: ویژگی‌های نظام بانکی مطلوب [۳۴]

بانکداری متعارف		**بانکداری اسلامی**	
دیدگاه خرد	**دیدگاه کلان**	**دیدگاه خرد**	**دیدگاه کلان**
کارایی	تأمین سرمایه شرکت‌ها	مطابقت با مبانی فقهی	واسطه‌گری (تأمین) مالی
مدیریت ریسک	تأمین مالی خرد	مدیریت ریسک	برقراری عدالت، توزیع عادلانه درآمد و رفع فقر
		لزوم تفکیک عملیات و ساز و کار بانکی	بانکداری اسلامی، تورم و تولید
			اجرای سیاست‌های پولی در بانکداری اسلامی

ذکر این نکته لازم است که بانکداری اسلامی، ضمن اینکه درصدد حفظ اصول شریعت اسلامی بوده، با چالش‌های توسعه بین‌المللی نیز مواجه است. مباحث مطرح شده در زمینه حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری تاکنون عموماً مربوط به نظام بانکداری مرسوم (غیراسلامی) است. چنان‌که با وجود رشد سریع بانک‌های اسلامی در دهه اخیر و افزایش حضور آن‌ها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی مطرح شده است. با وجود این، تحلیلگران بانکداری اسلامی، درصدد تطبیق حاکمیت شرکتی رایج در بانکداری مرسوم با الگوی شریعت اسلامی برآمده‌اند. به‌گونه‌ای که هیئت خدمات مالی اسلامی در گزارش خود اصول راهنمای حاکمیت شرکتی را در مؤسسات بانکی اسلامی پیشنهاد داده است.[۱۵]

الزامات حاکمیت شرکتی و چالش‌های پیش‌روی نظام بانکی کشور

اصول حکمرانی یکی از مؤلفه‌های اصلی استانداردهای مالی بین‌المللی است که برای ثبات و یکپارچگی سیستم‌های مالی ضروری تلقی می‌شود. به‌طوری که در دو دهه اخیر انرژی و توجه زیادی به بهبود توانایی هیئت‌مدیره‌ها، مدیران و مالکان برای هدایت محتاطانه اوضاع متغیر و ناپایدار بازار انجام شده است. موضوعات کلی، حاکمیت ریسک، پاداش، حرفه‌ای‌بودن هیئت‌مدیره و نقش و حقوق سهامداران در هر کشوری مهم است، اما ممکن است جزئیات و اهمیت نسبی آن‌ها در هر کشوری متفاوت باشد. صرف‌نظر از این جزئیات، نکته حائز اهمیت آن است که متناسب با ویژگی‌های ساختاری کشورها، به‌ویژه در مراحل ابتدایی به‌کارگیری این اصول، بانک‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند که این موضوع به‌دلایل مختلفی همچون آماده‌نبودن بستر اجرا، ناآگاهی و توجیه کلیه دست‌اندرکاران مرتبط، پیچیدگی اصول و عدم تسلط مجریان بر کلیه امور و... دور از انتظار نیست. مستند این ادعا، نتایج تحقیق Ard [۲۹] (به‌شرح جدول شماره ۳)، براساس اطلاعات استخراج شده توسط بانک جهانی است که به چالش‌های اساسی مسائل حکمرانی در کشورهای توسعه‌یافته و اقتصادهای نوظهور در سال ۲۰۱۰ پرداخته شده است.

جدول شماره ۳: موضوعات اساسی سیاست حکمرانی بانکی در کشورهای پیشرفته و اقتصادهای نوظهور [۲۹]

	کشورهای توسعه‌یافته	اقتصادهای نوظهور
حکمرانی ریسک	– سیستم‌های مدیریت ریسک اغلب دارای نقص بودند. – هیئت‌مدیره مشخصات ریسک بانک خود را درک نمی‌کنند. – استراتژی‌ها با درک کافی از خطرهای موجود، تدوین نشده بودند. – عملکردهای مدیریت ریسک در چندین بانک فاقد شفافیت و مداومت کافی بودند.	– زمینه اصلی نگرانی در اقتصادهای نوظهور است. – هیئتت‌مدیره‌ها ممکن است نقش خود را درک نکنند یا استراتژی‌های مناسب برای ریسک‌پذیری را تعیین نکنند. – رشد سریع در بسیاری از مؤسسات و افزایش ریسک، با بهبود مدیریت ریسک مطابقت ندارد. – سیستم‌های مدیریت ریسک تازه در حال پیشرفت هستند.
پاداش و تناسب ساختارهای تشویقی	– افزایش بدبینی در مورد استفاده از پاداش‌های تشویقی. – مدیران به‌جای تمرکز روی ثبات و ارزش بلندمدت شرکت به‌دنبال دستاوردهای کوتاه‌مدت هستند. – تدوین ضعیف بسته‌های تشویقی مانند تقسیم بهینه بین اجزای ثابت و متغیر پاداش‌ها و ارتباط آن با ریسک، عملکرد بلندمدت و سود سهامداران.	– پاداش مستقیم کمتر مورد توجه است. – و برعکس، بعضاً وجود مدیران اجرایی و هیئتت‌مدیره‌های کم‌درآمد. – عدم افشای اطلاعات کافی، مسئله اصلی است. – اشکال غیرمستقیم پاداش‌دهی‌ها (مزایا و امتیازات) ممکن است یک مشکل بزرگتر باشد.

ادامه جدول شماره ۳: موضوعات اساسی سیاست حکمرانی بانکی در کشورهای پیشرفته و اقتصادهای نوظهور [۲۹]

	کشورهای توسعه‌یافته	اقتصادهای نوظهور
حرفه‌ای بودن هیئت‌مدیره	– مطالعه درخصوص مؤسسات ناموفق، فقدان نقش نظارتی مستقل و عینی هیئت‌مدیره‌ها را نشان می‌دهد. – در ایالات‌متحده، پست‌های رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت ادغام شده‌اند. «مدیرعامل–امپراتور» همچنان یک روش معمول است. – هیئت‌مدیره نسبت به آنچه به نظر می‌رسید، استقلال کمتری داشت. – مدیران اجرایی بسیار کمی در هیئت‌مدیره هستند. – تخصص فنی ممکن است ناکافی باشد.	– مشکل بزرگ در اقتصادهای نوظهور، اما با ویژگی‌های مختلف. – هیئت‌مدیره، منفعل و منزوی هستند. – هیئت‌مدیره و ظرفیت اجرایی آن یک نگرانی اساسی است. – مالکیت خانوادگی رواج دارد که به عدم تفکیک نقش‌ها و وظایف منجر می‌شود. – استقرار هیئت‌مدیره مستقل، یک چالش اساسی است.
افشا و شفافیت	– شفافیت کافی مالی و غیرمالی. – مشکلات و مباحث مختلف در مورد روش‌های حسابداری (مانند حسابداری بر مبنای ارزش منصفانه یا حسابداری تلفیقی). – نگرانی در مورد شفافیت کامل انواع ریسک‌ها.	– نگرانی عمده و یک مشکل اساسی است. – بسیاری از کشورها به‌سمت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌روند. – مکانیسم‌های اجرا ضعیف هستند. – مالکیت، اغلب مبهم است.
نقش و حقوق سهامداران	– بحث در مورد مشارکت سهامداران و انفعال آن‌ها در مواقع بحرانی در ایالات‌متحده. – سهامداران به‌ندرت قادر به‌وتوکردن مصوبه اعضای هیئت‌مدیره یا پیشنهاد اعضای جدید در جلسات سالانه هستند.	– حقوق سهامداران ارتقا یافته است، اما قوانین موجود برای محافظت از سهامداران خرد اشکالات اساسی دارند. – دولت (صاحب اصلی بانک‌ها در بسیاری از کشورها) به‌طور معمول یک مالک فقیر است که اغلب طبق قوانین خاص خود بازی می‌کند.

کشور ایران نیز از این موضوع مستثنی نیست. حاکمیت شرکتی در ایران مفهوم نسبتاً جدیدی است که از دهه هشتاد وارد ادبیات مدیریت مالی شد؛ اما با توجه به‌دلایل ذکر شده، استقرار بهینه این اصول در بانک‌های کشور عملیاتی نشده است. ناگفته نماند که اقداماتی توسط نهادهای ذی‌ربط نظیر وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی در جهت ارتقای حکمرانی شرکتی در شبکه بانکی کشور انجام شده است. لیکن، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که عملیاتی‌کردن کامل آن متناسب با زیرساخت‌های حقوقی و الگوی مدیریتی رایج کشور با چالش‌هایی مواجه بوده است. بدین منظور و در راستای استقرار بهینه نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌های کشور به‌منظور استیفای حقوق

ذی‌نفعان متعدد، اصلاحات نهادی و ساختاری گوناگونی در سطح خرد و کلان نظام بانکی لازم است که در ادامه به اهم این چالش‌ها از دیدگاه کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه پرداخته شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی (اکتشافی) است. بدین‌ترتیب که با عنایت به اهمیت استقرار حکمرانی بانکی، شناسایی چالش‌ها و مشکلات اثرگذار در عملیاتی‌کردن این مهم در دستور کار قرار گرفت. مرور ادبیات و مصاحبه، دو روش استفاده شده در این تحقیق است. بر این اساس، ابتدا ضمن مرور مقالات و نتایج تحقیقات، شاخص‌های اثرگذار شناسایی و استخراج شدند، سپس با استفاده از روش مصاحبه، شاخص‌های دیگری نیز شناسایی و اضافه شدند. در گام بعد، نسبت به دسته‌بندی این شاخص‌ها براساس موضوعی و نزدیکی مفاهیم با یکدیگر اقدام شد.

جامعه آماری در این تحقیق، کارشناسان و خبرگان بانکی بودند. نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند (غیراحتمالی) و با استفاده از راهبرد ترکیب روش‌های هدفمند چندگانه انتخاب شدند. بدین‌ترتیب که در بررسی ادبیات موضوعی از روش نمونه‌گیری متوالی- نظری استفاده شده است. در این روش، پژوهشگر براساس قضاوت خود از بهترین منابع اطلاعاتی از قبیل منابع مکتوب، بهترین انتخاب‌ها را انجام می‌دهد و سپس به‌دنبال نمونه‌هایی می‌رود که تئوری ایجاد شده را کامل کنند. ملاک انتخاب در این حوزه، مرتبط‌بودن متون با حکمرانی بانکی و چالش‌های اجرای آن بود. در مصاحبه با خبرگان بانکی، روش نمونه‌گیری موارد خاص یا منحصربه‌فرد (خبرگان) بود. بدین‌ترتیب که این روش زمانی به‌کار می‌رود که یک نمونه فردی یا یک گروه خاص از موارد، تمرکز اصلی پژوهش است. ملاک انتخاب، خبرگانی بودند که به‌صورت مستقیم در اجرای این اصول مشارکت داشتند. در ادامه از روش متوالی استفاده شد که اغلب به‌همراه انواع دیگر شیوه‌های نمونه‌گیری به‌کار می‌رود. به این ترتیب که در روش متوالی، انتخاب نمونه‌ها تا جایی انجام می‌شود که دیگر اطلاعات جدید یا ویژگی‌های جدیدی در کار نباشد. بدین ترتیب، بعد از انجام‌دادن مصاحبه با ۴ نفر، کفایت اطلاعات مشخص شد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

به‌منظور شناسایی شاخص‌های اثرگذار بر عملیاتی‌نکردن بهینه اصول حاکمیت شرکتی، در این بخش سعی شده این شاخص‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استخراج شوند. با عنایت به پیش‌فرض محقق مبنی بر آن‌که اصول جهان‌شمول، اصول کلی (مقام در نظر) هستند که در مقام

عمل باید متناسب با ارزش‌ها و بافت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... جامعه اجرا شوند، لذا در بررسی ادبیات موضوعی، این قسمت صرفاً به مطالعات داخلی بسنده شده که حاکی از مشکلات بستر اجراست. بر این اساس، در گام اول، شاخص‌های اثرگذار در عدم اجرای بهینه اصول حکمرانی براساس مطالعات و تحقیقات انجام شده توسط صاحب‌نظران داخلی به‌شرح جدول شماره (۴) استخراج شد.

جدول شماره ٤: شاخص‌های مؤثر در عدم اجرای بهینه اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها (حاصل مطالعات کتابخانه‌ای)

ردیف	شاخص‌های شناسایی شده	منبع
۱	سکوت قانون تجارت در خصوص حاکمیت شرکتی	[۳۵]، [۳۶]، [۳۷]
۲	عدم شفافیت عملکرد مالی بانک‌ها	[۳۸]، [۳۵]، [۳۶]
۳	نبود مرجع نظارتی برای رسیدگی به تخلفات ناشی از اصول حکمرانی	[۳۵]، [۳۶]، [۳۷]
۴	یک‌لایه‌بودن ساختار مدیریت ارشد بانک‌های دولتی	[۳۶]
۵	نبود پیشینه کافی در موضوعات مرتبط	[۳۷]
۶	عدم بومی‌سازی دانش مرتبط با حکمرانی بانکی	[۳۷]
۷	عدم تقارن اطلاعات میان مدیران بانک‌ها و ذی‌نفعان بیرونی	[۳۸]
۸	مالکیت دولتی برخی بانک‌ها	[۳۸]
۹	تسلط روش‌های دولتی ناکارآمد در نظام اقتصادی و بانکی	[۳۹]، [۳۸]
۱۰	اعمال نفوذ اشخاص خارج از نظام بانکی در انتصابات مدیران ارشد و هیئت‌مدیره	[۳۹]، [۴۰]
۱۱	نبود نظام حاکمیت شرکتی یکپارچه در بین بانک‌ها و سایر اجزا نظام بانکی	[۳۹]
۱۲	نبود دستورالعمل مدونی مبتنی بر استانداردهای جهانی و هیئت خدمات مالی اسلامی	[۳۲]
۱۳	تداخل وظایف هیئت‌مدیره و مدیرعامل	[۴۰]
۱۴	عدم توجه به سهامداران اقلیت	[۴۰]
۱۵	به‌روزنبودن و پاسخگونبودن قوانین نسبت به اقتضائات تجاری	[۴۰]
۱۶	ناکافی‌بودن مقررات در باب افشای اطلاعات	[۴۰]

برای شناسایی شاخص‌های مؤثر تنها به‌مرور ادبیات بسنده نشده و از روش مصاحبه نیز استفاده شده است. در ادامه، شاخص‌های شناسایی شده حاصل از این روش نیز در جدول شماره (۵) ذکر شده است. لازم است توضیح داده شود که در این جدول فقط عوامل غیرتکراری ذکر شده و شاخص‌هایی که قبلاً از طریق مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شده بود، حذف شدند.

جدول شماره ۵: شاخص‌های اثرگذار در عملیاتی نکردن بهینه اصول حکمرانی حاصل از مصاحبه

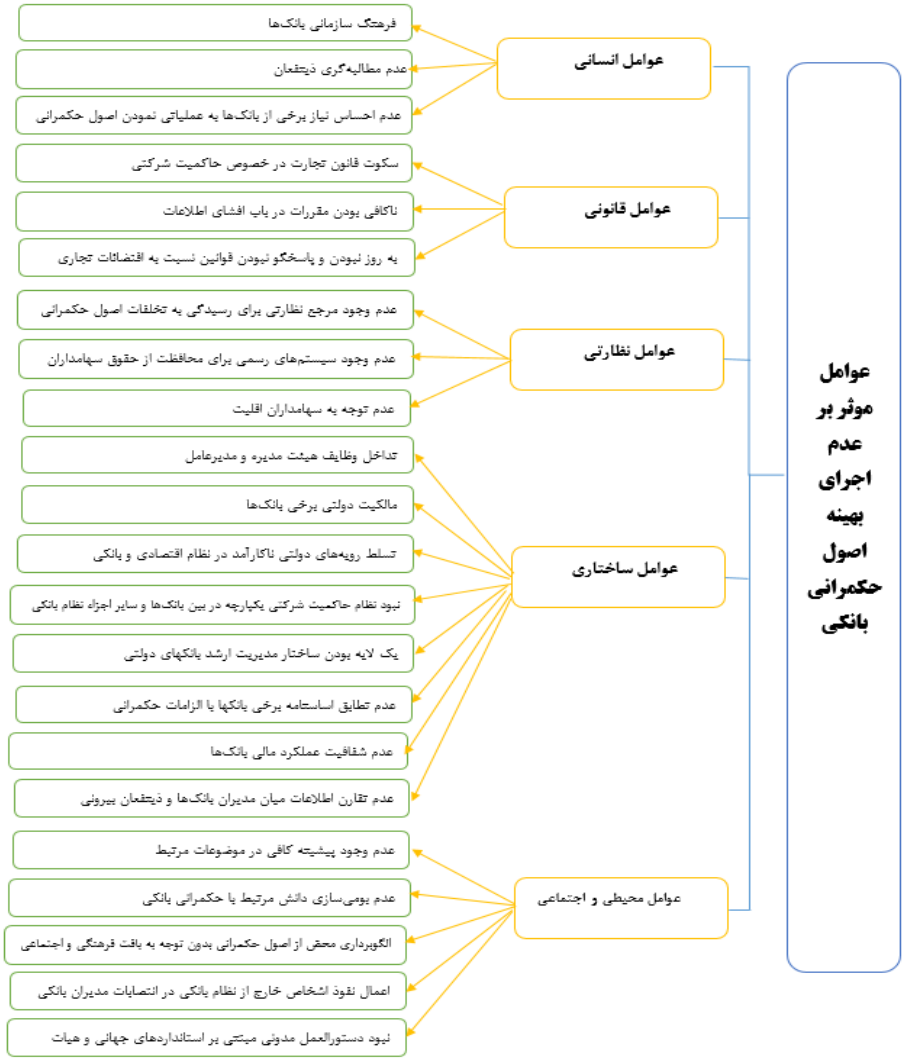
ردیف	شاخص‌های استخراج شده
۱	عدم تطابق اساسنامه برخی بانک‌ها با الزامات حکمرانی
۲	عدم مطالبه‌گری ذی‌نفعان
۳	عدم احساس نیاز برخی از بانک‌ها به‌عملیاتی‌کردن اصول حکمرانی
۴	نبود سیستم‌های رسمی برای محافظت از حقوق سهامداران
۵	الگوبرداری محض بانک‌ها از اصول حکمرانی بدون توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی کشور
۶	فرهنگ سازمانی

پس از شناسایی شاخص‌های حاصل از دو روش کتابخانه‌ای و مصاحبه، با استفاده از تحلیل تم، در مرحله بعد نسبت به دسته‌بندی این شاخص‌ها بر اساس موضوعی و نزدیکی مفاهیم با یکدیگر اقدام شد. به این ترتیب که از ترکیب هر چند شاخص، یک بعد ایجاد و متناسب با هر یک، نام‌گذاری صورت پذیرفت.

بر این اساس، شاخص‌های فرهنگ سازمانی بانک‌ها، عدم مطالبه‌گری ذی‌نفعان و عدم احساس نیاز برخی از بانک‌ها به عملیاتی‌کردن اصول حکمرانی که به‌نوعی متأثر از رفتار کنشگران است ذیل بُعد عوامل انسانی؛ شاخص‌های سکوت قانون تجارت درخصوص حاکمیت شرکتی، ناکافی بودن مقررات در باب افشای اطلاعات و به‌روز نبودن و پاسخگونبودن قوانین نسبت به اقتضائات تجاری که نتیجه بستر قانونی اجراست، ذیل بُعد عوامل قانونی؛ شاخص‌های نبود مرجع نظارتی برای رسیدگی به تخلفات ناشی از اصول حکمرانی، نبود سیستم‌های رسمی برای محافظت از حقوق سهامداران و بی‌توجهی به سهامداران اقلیت و در ذیل بُعد عوامل نظارتی، شاخص‌های تداخل وظایف هیئت‌مدیره و مدیرعامل، مالکیت دولتی برخی بانک‌ها، تسلط روش‌های دولتی ناکارآمد در نظام اقتصادی و بانکی، نبود نظام حاکمیت شرکتی یکپارچه در بین بانک‌ها و سایر اجزای نظام بانکی، یک‌لایه بودن ساختار مدیریت ارشد بانک‌های دولتی، عدم تطابق اساسنامه برخی بانک‌ها با الزامات حکمرانی، عدم شفافیت عملکرد مالی بانک‌ها، عدم تقارن اطلاعات میان مدیران بانک‌ها و ذی‌نفعان بیرونی که به‌نوعی متأثر از ساختار بازیگران صنعت بانکداری است و در ذیل بُعد عوامل ساختاری و در نهایت، شاخص‌های عوامل نبود پیشینه کافی در موضوعات مرتبط، عدم بومی‌سازی دانش مرتبط با حکمرانی بانکی، الگوبرداری محض از اصول حکمرانی بدون توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی کشور توسط نهادهای ذی‌ربط، اعمال نفوذ اشخاص خارج از نظام بانکی در انتصابات مدیران ارشد و

هیئت‌مدیره و نبود دستورالعمل مدونی مبتنی بر استانداردهای جهانی و هیئت خدمات مالی اسلامی در ذیل بُعد عوامل محیطی–اجتماعی قرار گرفتند. بدین‌ترتیب، مدل تحقیق به‌شرح زیر است که در ادامه با اخذ نظر خبرگان، اعتبار آن مورد بررسی قرار گرفت.

شکل شماره ۱: مدل عوامل مؤثر بر عدم‌اجرای بهینه اصول حکمرانی بانکی



جمع‌بندی و پیشنهاد

پدیده حکمرانی، اصطلاح جدیدی است که سابقه کاربرد آن به سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی برمی‌گردد، اما مفهوم حکمرانی، جدید نبوده و قدمتی به‌اندازه تمدن بشری دارد. درخصوص اهمیت موضوع نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی مناسب، موجب افزایش کارایی و ارزش بازار شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌شود که این مهم باعث توجه سازمان‌های ذی‌ربط قرار گرفته و متناسب با آن دستورالعمل‌هایی جهت استقرار آن تدوین گشته است؛ اما نکته حائز اهمیت آن است که نتایج مطالعات و بررسی‌های داخلی و خارجی نشان از آن دارد که اگر چه یک چهارچوب کلی جهت اجرای حکمرانی برای شرکت‌ها و مؤسسات مالی تهیه و تدوین گشته، لیکن بحث در جزئیات اجراست که باعث شده تمامی اصول براساس آنچه سیاست‌گذار در نظر داشته، اجرایی نشود. این موضوع با درنظرگرفتن تفاوت‌های ساختاری، اجتماعی، فرهنگی و ... از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و چالش‌هایی بر سر اجرا و عملیاتی‌کردن اصول حکمرانی وجود داشته که در این تحقیق سعی شد این عوامل شناسایی شوند. با توجه به نتایج این تحقیق و به‌منظور اجرای بهینه این اصول، پیشنهاد می‌شود:

- متولیان امور، قوانین مشخص و دستورالعمل‌های دقیق را برای اجرای کامل و کارآمد حکمرانی بانکی متناسب با ساختار بانک‌های کشور (دولتی، خصوصی و خصولتی) و قوانین و مقررات کشور وضع و صادر کنند. مستند این پیشنهاد بند ۷ اصول چهارده‌گانه حاکمیت شرکتی مبنی بر «به‌کارگیری و اجرای استانداردهای حاکمیت شرکتی در هر کشور مطابق با قوانین، مقررات و الزامات قانونی آن کشور» است. بدین‌ترتیب، از آنجا که معمولاً سیاست‌ها و اصول کلی که توسط خبرگان و اندیشمندان حوزه ذی‌ربط تهیه و ارائه می‌شوند، جهان شمول بوده، لیکن در زمان اجرای آن قوانین باید براساس آموزه‌های فرهنگی و ارزش‌های هر جامعه، آن را عملیاتی و بومی‌سازی کرد. لذا، حکمرانی بانکی نیز به‌عنوان یک قاعده بین‌المللی که دارای فرایند و ساختار پویا بوده و در هر کشور در پاسخ به‌عوامل و اوضاع خاص آن کشور قابل توسعه و سفارشی‌سازی است، انتظار است این مهم توسط متولیان در نظر گرفته شود و به‌اجرایی‌کردن این اصول، صرف‌نظر از بافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، بسنده نکنند.
- با عنایت به پیچیدگی عملیات بانکی و نقش‌های متعددی که بازیکنان مختلف این صنعت عهده‌دار هستند، پیشنهاد می‌شود به‌منظور ابهام‌زدایی از فرایندهای بانکی در راستای دو مؤلفه اصلی حکمرانی بانکی (شفافیت و افشا اطلاعات)، ساز و کاری برای این مهم تدوین و اجرایی شود.

- با توجه به ساختار متفاوت بانک‌ها در کشور از نظر مالکیت که باعث ایجاد یک نظام یک‌لایه‌ای و دولایه‌ای نظارت شده است، پیشنهاد می‌شود مکانیزمی نظارتی از تمامی جوانب نظارت نهاد بالادستی بر بانک‌ها و نظارت کلیه ذی‌نفعان بر عملکرد بانک‌ها (برای مثال، نظارت سپرده‌گذاران بر عملکرد بانک‌ها) طراحی شود.
- بانک‌ها متناسب با نوع فعالیت، توجه به اسناد بین‌المللی و نتایج تحقیقات داخلی، نسبت به بازنگری و ویرایش اسناد بالادستی خود نظیر اساسنامه اقدام کنند.
- قوانین و مقررات مرتبط با بازار پول و سرمایه، قانون تجارت و... متناسب با اقتضائات تجاری به‌منظور اجرای کامل اصول حکمرانی مورد بازنگری واقع شود.

منابع و مآخذ

[1] دامغانیان، جمال. «***نقش و جایگاه سیستم بانکی در اقتصاد مقاومتی***». وب‌سایت خبری تابناک، ۶ آبان ۱۳۹۴.

[۲] بیدآباد، بیژن. «***شفافیت مالی، حکمرانی و افشای اطلاعات بانکی در بانکداری راستین و پیشنهاد مقررات لازم برای ارتقا آن***». نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی – تحول در مدیریت نظام بانکی، گامی به‌سوی حماسه اقتصادی. ۱۳۹۲.

[۳] تقوی، مهدی؛ احمدیان، اعظم؛ کیانوند، مهران. «***تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها)***»، فصل‌نامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، شماره نوزدهم، ۱۳۹۲.

[۴] حیدری، فرشاد؛ رجبی، زینب. «***تدوین الگوی پارادایمی حکمرانی نظارتی کارا و اثربخش بر شبکه بانکی کشور***». فصل‌نامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۵.

[۵] یزدانی زازرانی، محمدرضا. «***بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی***». فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره چهارم، صص. ۱۴۲ – ۱۰۹، تابستان ۱۳۹۱.

[۶] اکبری، غضنفر. «***سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری***». تحقیقات جغرافیایی، صفحات ۱۳۵ تا ۱۵۴، ۱۳۸۵.

[7] Pettai V. and Illing E, "Governance and Good Governance" ***Journal of Humanities and Social Sciences***, Vol. 8, No 4 .2004.

[۸] برادران شرکای، حمیدرضا؛ ملک‌الساداتی، سعید. «***تأثیر حکمرانی خوب (بر اساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب (۱۹۹۶-۲۰۰۵)***»، ۱۳۸۷.

[9] Solomon J. Corporate Governance and Accountability, Chichester: John Wiley & Sons Ltd, 2010.

[10] Sison A. J. Corporate Governance and Ethics – An Aristotelian Perspective, Cheltenham: Edward Elgar, 2008.

[11] Roland, Gerard, Understanding Institutional Change: Fast-Moving and Slow-Moving Institutions. ***Studies in Comparative International Development***, 109-131, 2004.

[12] Arewa Olufunmilayo, Corporate Governance Events: Legal Rules, Business Environment and Corporate Culture, Case Western, ***Reserve Law Review***. 543-550, 2004.

[13] Matoussi Hamadi, Jardak Maha Khemakhem, International Corporate Governance and Finance: Legal, Cultural and political explanations, Economic, ***Research fourm series***, Working paper no503, 2009.

[۱۴] سپهوند، مهرداد؛ قنبری، حمید؛ جعفری، امین؛ محرابی، لیلا. «***حکمرانی شرکتی در نظام‌های بانکی منتخب و نقش بانک‌های مرکزی***». پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۴.

[۱۵] مهدوی پارسا، علی؛ نوراحمدی، مرضیه. «***رتبه‌بندی بانک‌های ایران براساس وضعیت توجه به حاکمیت شرکتی در اسناد بالادستی بانک***». فصل‌نامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۷.

[16] MWENDA, MWONGERA PAUL, THE Challenges of The Implementation of Corporate Governance Strategt by The Oriental Commercial BANK LIMITED, KENYA, A research project submitted in partial fulfillment of the requirements for the award of the degree master of business administration, school of business, UNIVERSITY OF NAIROBI, 2015.

[17] Lucky.Inaya, Jude. Nomuoja and Timothy. Proso, CHALLENGES OF CORPORATE GOVERNANCE FOR BANKS IN THE POST CONSOLIDATION, 2012.

[18] Horber. Felix, Corporate Governance - Implementation, Challenges and Trends, Legal & Compliance Risk Assessment, UBS AG United Nations, Geneva, February 9, 2005.

[19] Ahmadyan. Azam, Ghasemi Ali Abadi Mehdi, Corporate Governance and Iranian Banking Economic Value Added, ***Iranian Jurnal of Finance***, Iran Finance Association, 2021, DOI: 10.30699/IJF.2021.211225.1096.

[20] Akbarian. Saber, Anvary Rostamy. Ali Asghar, Rezaei. Nader, Abdi. Rasool, Corporate Governance and Credit Risk in the Iranian Banking Industry, ***Journal of Money and Economy***, Vol. ۱۴, No. ۱, pp. ۱۰۰-۸۵, Winter ۲۰۱۹.

[۲۱] رجبی، فرجاد؛ حاجیه عزب دفتر، آسیه. «***تأثیر حکمرانی خوب بر سلامت سازمانی با توجه به‌نقش میانجی رفتار سیاسی***». چشم‌انداز مدیریت دولتی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص. ۱۴۱-۱۷۰، ۱۳۹۸.

[۲۲] رستم‌زاده، مهدی؛ خلیلی، محمدحسین. «***تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه نظام بانکی***». کنگره بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و توسعه کسب و کار، ۱۳۹۶.

[۲۳] جاجرمی‌زاده، م. «***بررسی تأثیر مؤلفه‌های حمکرانی خوب در اثربخشی نظام بانکی (مطالعه موردی بانک ملی شیراز)***». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور فارس. ۱۳۹۱.

[۲۴] کمیجانی، اکبر؛ سلاطین، پروانه. «***تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD***»، فصل‌نامه مدل‌سازی اقتصادی، سال دوم، شماره «۲ پیاپی»، زمستان ۱۳۸۷، صص. ۱-۲۴، ۱۳۸۹.

[25] Srairi. S, Corporate Governance Disclosure Practices and Performance of Islamic Banks in GCC Countries. ***Journal of Islamic Finance***, 4(2). 2015.

[26] Peni, Emilia, Stanley D. Smith and Sami Vahamaa, "Bank corporate governance and Real Estate Lending During the Financial Crisis", University of Vaasa, ***Department of Accounting and Finance***. 2012.

[27] Al Manaseer, Mousa F, Riyad Mohamad Al – Hindawi and Mohamad Abdulrahim Al – Dahiyat, "The impact of corporate governance on the performance of Jordanian Banks", ***European Journal of Scientific Research***, ISSN 1450 – 216X.Vol. 67 No.3, PP. 349 – 359, 2012.

[28] Lee, Shiying," Financial Market Development: Does financial liberalization induce regulatory governance reform?", Duke University, Durham, North Carolina, 2005.

[29] Ard. Laura and Berg. Alexander, Bank Governance, Lessons from the Financial crisis, Public Policy for The Private Sector the WORLD BANK GROUP FINANCIAL AND PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT VICE PRESIDENCY. 2010.

[۳۰] دره شیری، محمدرضا؛ ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ موسوی جهرمی، یگانه؛ منصف، عبدالعلی. «***تحلیل نهادی لایه‌های سه‌گانه حکمرانی نظام بانکی ج.ا.ا. با رویکرد نظریه بازی پیشران‌های پنهان ناپایداری چگونه عمل می‌کنند؟ بهبود مدیریت***»، دوره ۱۳ شماره ۲ (پیاپی ۴۴). ۱۵۷- ۲۱۹، ۱۳۹۸.

[31] Fernandes. Catarina, Farinha. Jorge, Vitorino Martins. Francisco, Cesario. Mateus, Bank Governance and Performance: A Survey of the Literature, ***Journal of Banking Regulation***, forthcoming, 2018. https://www.researchgate.net/publication/316082019.

[۳۲] عزیزی، آریا. «***نقش حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی کشور***». فصل‌نامه مطالعات نوین بانکی، دوره دوم، شماره چهارم، صص. ۲۵-۳۹، ۱۳۹۸.

[۳۳] کردلوئی، حمیدرضا؛ محمودزاده، المیرا؛ جدیدالاسلامی، داود. «***استقرار حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی ایران***». فصل‌نامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال اول، شماره دوم، ۱۳۹۱.

[۳۴] باغستانی، مسعود؛ میری، اشرف. «***نظام بانکی مطلوب در بانکداری متعارف و بانکداری غیرربوی***»، مجموعه مقالات اولین گردهمایی بین‌المللی بانکداری و تأمین مالی اسلامی، صص. ۳۲۱- ۳۳۳، ۱۳۹۵.

[۳۵] میرابوطالبی، سید امیرحسین. «***الزامات حاکمیت شرکتی و چالش‌های پیش‌رِو در نظام بانکی***». خبرگزاری ایبنا، ۱۳۹۶. [۳۶] پهلوان، سمانه؛ دوست‌حسینی، سیدکاظم. نقش بانک مرکزی در استقرار حاکمیت شرکتی شبکه بانکی کشور، بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۷.

[۳۷] سیف، ولی‌اله. «***حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات***». فصل‌نامه روند، سال بیست و یکم، شماره ۶۸، صص. ۱۵-۵۴، زمستان ۱۳۹۳.

[۳۸] ابراهیم‌نژاد، علی؛ محسنی، مهدی. «***حاکمیت شرکتی: حلقه مفقوده اصلاح نظام بانکی، شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی***»، ۱۳۹۵.

[۳۹] کرمی، میثم. «***چالش‌های ساختاری استقرار حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی***». خبرگزاری ایبنا. ۱۳۹۶.

[۴۰] پاکروان، پدرام؛ آباد، شمس. «***شرکت‌ها و نظام بانکی کشور و چالش حاکمیت شرکتی: مقایسه تطبیقی مدل‌های موجود و بررسی چالش‌ها و انتظارات***»، بیست و نهمین همایش بانکداری اسلامی. ۱۳۹۸.

[۴۱] خدام‌الحسینی، حمید. «***وضعیت حکمرانی در ایران از دریچه نگاه دانشجویان***». دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۹.

[۴۲] آهنی، منا؛ موسی‌خانی، مرتضی؛ نجف‌بیگی، رضا؛ افشار کاظمی، محمدعلی. «***تحلیل خوشه‌های جایگاه ایران در جهان و روندهای آتی مبتنی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب***». فصل‌نامه آینده‌پژوهی مدیریت، سال سی‌ام، شماره ۱۱۶، صص. ۹۹-۱۱۶، ۱۳۹۸.

[۴۳] ذاکری، محمد. «***بررسی گزارش شاخص‌های جهانی حکمرانی با تأکید بر جایگاه ایران***». فصل‌نامه تخصصی سازمان اداری و استخدامی کشور، شماره سوم، شماره پیاپی ۵۷، صص. ۵۶-۶۷، ۱۳۹۷.